



## زنانه شدن شهر با تأکید بر فضاهای شهر تهران

نعمت‌الله فاضلی

تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶، ۹۹ صفحه

تهیه و تنظیم: نرگس موسوی جزایری\*

موجود شرایط و سهم زنان را از گذشته تاریخی فضا در ایران به تصویر کشیده است. فاضلی با توصیف زندگی روزمره در محله زندگی خود و سپس بررسی کیفی ارتباط فضایی میان زنان با فروشگاه‌ها، خیابان، وقوع انقلاب اسلامی، فضاهای آموزشی و موضوع امنیت، تحلیل خویش را از جنسیت و فضا در شهرهای ایران معاصر ارائه کرده است. در جهان امروز غالب مطالعات جنسیت با این پیش فرض صورت می‌گیرد که در ایران و جوامعی مانند آن، که فرهنگ مردسالارانه استیلا دارد، زنان سهم و جایگاهی در فضاهای شهری ندارند و با وجود تحولات سده اخیر جایگاه فضایی زنان، به جای فضای بیرونی و خیابانی، مانند گذشته‌های دور در اندرونی و خانه باقی مانده است. به عبارتی، با وجود گسترش حضور زنان در شهر، زنان ایرانی هنوز نتوانسته‌اند «حق بر شهر» را به دست آورند. دیدگاه این کتاب درباره زنانه شدن فضای شهری، به‌ویژه در کلان‌شهری مانند تهران، با دیدگاه فمینیسم رادیکال و تجددگرایی غربی متفاوت است و لزوماً آن‌گونه که اندیشه انتقادی فمینیستی می‌گوید، به نظر نویسنده، فرهنگ مردسالاری مفروض چندان در عمل مانع زنان نشده است (ص ۲۱ و ۱۳). در این قسمت، با مروری بر مطالعات انسان‌شناسانه در

نویسنده این اثر، نعمت‌الله فاضلی، با استفاده از تحلیل‌های نظری و تاریخی و ارائه برخی داده‌های تجربی از جمله تجربه زیسته خود در شهر تهران به دفاع از دیدگاه «زنانه شدن شهر» می‌پردازد و زنانه شدن را به‌مثابه افزوده شدن کارکردها، نقش‌ها و اهمیت زنان در فرایندهای تولید، توزیع و کاربست فضاهای شهری در نظر می‌گیرد. این پژوهش، با توجه به ملاحظات مفهومی بیان شده، رویکردی تاریخی و فرایندی به مقوله زنانه شدن فضای شهری دارد، چراکه شهر و فضا مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی تاریخ‌مند هستند. نویسنده در بخش‌های مختلف این اثر با توصیف و تحلیل فضاهای شهری و وقایع جاری در زندگی روزمره نشان می‌دهد که تعامل دوسویه زن و شهر تأثیر عمیقی بر تحولات جامعه معاصر ایران به جای گذاشته و در عین حال از این تحولات تأثیر پذیرفته است.

نویسنده ابتدا دیدگاه خود را درباره جنسیت و فضای شهری در ایران مطرح کرده است. او با بیان ابعاد ذهنی و اجتماعی فضا در نظریه‌های مختلف و تأکید بر وجود ارتباط دوسویه مناسبات انسانی و فضا به بررسی رابطه میان زن و فضاهای شهری پرداخته و با استفاده از اسناد و گزارش‌های تاریخی

\* کارشناسی ارشد زمین‌شناسی نفت (پتروفیزیک)

jazayeri.narges@gmail.com

ایران و جوامع غیرغربی، به مطالعات فاطمه گیوه‌چیان، انسان‌شناس ایرانی، اشاره شده است که نشان می‌دهد مطالعات انسان‌شناسان غربی در زمینه جوامع غیرغربی فاقد درک بومی، محلی و واقع‌بینانه‌ای از زنان در این فرهنگ‌هاست؛ به این دلیل که انسان‌شناسان غربی اغلب زنان این جوامع را در رقابت و ستیزه‌جویی با مردان دیده و آنان را فاقد نقش جدی در عرصه کار و تولید دانسته‌اند، در حالی که انسان‌شناسان دیگری زنان غیرغربی را بسیار بیش از مردان صاحب نقش مؤثر در عرصه کار و تولید برشمرده‌اند (ص ۳۱). افرادی نیز که ایده زنانه شدن شهر را نمی‌پذیرند کم‌وبیش همسو با انسان‌شناسانی هستند که ماهیت مناسبات زن و مرد را در جوامع شرقی نوعی ستیزه و رقابت نابرابر دانسته‌اند.

در ادامه، نویسنده با طرح نظریه‌های مختلف به مفهوم‌سازی فضا پرداخته است. فضا چیزی است که ما از طریق و در پیرامون آن در تلاش برای ساختن زندگی خود و آنچه بدان می‌اندیشیم، هستیم. مناسبات اجتماعی باید در جایی اتفاق بیفتد، جایی که در فضای اجتماعی قرار می‌گیرد. این فضای اجتماعی خنثی نیست و جایی است که باید با اقدامات انسان پر شود. همان‌گونه که فضا از طریق مناسبات انسانی شکل می‌گیرد، مناسبات انسانی نیز در شکل‌گیری فضا مؤثر هستند. در همین زمینه سوجا<sup>۱</sup> معتقد است که ما اساساً موجوداتی فضامند هستیم و در برساختن اجتماعی فضاوندی‌های اطراف خود همواره مشارکت‌کنندگانی فعال بوده‌ایم، ضمن اینکه سازه اجتماعی فضا امری جنسیتی است. امروزه نظریه‌های اجتماعی، به‌ویژه نظریه‌های شهری، این واقعیت را کاملاً آشکار کرده‌اند که روبه‌ها یا کردارهای فضایی ماهیت جنسیتی و کردارهای جنسیتی نیز ماهیت فضایی دارند (ص ۳۶-۳۵).

مهم‌ترین مفهومی که در این مطالعه با آن سروکار داریم زنانه شدن فضا به‌ویژه فضای کلان‌شهری است. باید توجه داشت که فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی متعلق به عموم شهروندان هستند و باید ویژگی‌های دموکراتیک بودن و قابل دسترسی بودن را برای همه گروه‌ها داشته باشند و نیز دارای آزادی عمل نسبی باشند. از جمله استدلال‌های نویسنده در زنانه شدن فضاهای شهری عبارت‌اند از:

۱. زنانه بودن فضاهای شهری امری نسبی است و نه مطلق، یعنی زنان امروز نسبت به گذشته سهم و نقش بیشتری از فضاهای شهری دارند.
  ۲. زنانه شدن فضاهای شهری امری فرایندی است و نه رخدادی، چراکه این امر تدریجی برساختن اجتماعی و تاریخی و یکی از ویژگی‌های فضاست که در نتیجه وقوع تحولات مختلف ناگزیر رخ می‌دهد.
  ۳. زنانه شدن فضا لزوماً به معنای موضع‌گیری ایدئولوژیک و اخلاقی نیست. بنابراین بهتر یا بدتر شدن فضاهای شهری مدنظر نیست و صرفاً ارائه توصیف و تحلیلی از تغییرات تاریخی رخ داده در فضاهای شهری ایران است.
  ۴. وجود نابرابری جنسیتی در ایران انکارناپذیر است. با این حال، تحولاتی در مناسبات جنسیتی ایجاد شده و زنان فرصت‌هایی برای بهبود وضعیت خود کسب کرده‌اند.
  ۵. زنانه شدن فضاها به تحول فیزیکی شهرها محدود نمی‌شود، بلکه امری گفتمانی است.
  ۶. زنانه شدن فضاهای شهری را باید در پرتو فرایندهای فرهنگی و اجتماعی دیگری مشاهده کرد.
- از دید نویسنده، در گفتمان علوم اجتماعی امروز مفهوم فضا همان مفهوم محیط است و فضا نام دیگری برای زندگی و به‌ویژه زندگی روزمره است. مناسبات زن و فضا بیان‌عامیانه‌تر مناسبات میان زن و زندگی است. به‌دلیل مجموعه تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوران معاصر و مدرن، در زندگی شهری ایران هرچه به امروز نزدیک‌تر می‌شویم بر اهمیت، جایگاه، نقش‌ها و کارکردهای زن در زندگی فردی و اجتماعی جامعه شهری افزوده می‌شود.
- امروزه نه‌تنها فضاهای سکونت‌گاهی، بلکه فضاهای تجاری، فراغتی، آموزشی و انواع دیگر تحت تأثیر نوعی هژمونی جهانی شدن و آثار رسانه‌ای به‌طور فزاینده‌ای هر روز زنانه‌تر می‌شوند. زنان، هم از طریق تولید نشانه‌های معمارانه و افزودن و کاستن نشانه‌های فیزیکی و هم از طریق خوانش‌ها و تفسیرهایی با ذاتاً زنانه، به شیوه‌های آشکار و پنهان به رمزگذاری و رمزگشایی فضاهای شهری می‌پردازند. همچنین زنان از طریق تولید فیلم، نوشتن رمان

و داستان، سرودن شعر، ساخت موسیقی و انجام فعالیت‌های هنری و رسانه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام‌های بازنمایی فضای شهری ایفا می‌کنند. جایگاه و کارکردهای زن در فضاهای شهری، در طول تاریخ و در تمام جوامع و فرهنگ‌ها، همواره متناسب با وضعیت صورت‌بندی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تعریف شده و با تغییر هر یک از این مؤلفه‌های چهارگانه معنای زن و پیوندهای او با محیط نیز دگرگون شده است.

فاضلی در تعریف «زن و زندگی» در جامعه ایرانی، در معنای نخست، بر اولویت زن بر مرد در معنای کلی زندگی و مفاهیم معنابخش آن همچون عشق، ارزش‌ها و اخلاق تأکید دارد که این مفاهیم در وجود زن و از طریق او به زندگی سرایت می‌کند. او در معنای دوم به نقش و اهمیت زن در امور ساده و جزئی زندگی توجه می‌دهد، چراکه زن در فرهنگ و دانش انسان ایرانی با تمامی نیازهای حیاتی روزمره مانند تغذیه، خرید، عواطف و رفت‌وآمدهای خانوادگی پیوندی نزدیک و ناگسستنی دارد.

**تاریخ زنانه شدن فضاهای شهری در ایران: تحولات جامعه معاصر ایران** را می‌توان در چهارچوب سه گفتمان سنت، مدرنیسم و پسامدرنیسم مطالعه کرد. فضاهای شهری در ایران ماهیتی مردانه داشته‌اند و مانند همه جوامع دیگر همواره در طول تاریخ (تا پیش از دوران معاصر) کم‌وبیش به روی زنان بسته بوده و زنان با انواع محدودیت‌ها و تابوهای اخلاقی و ایدئولوژیک روبه‌رو بوده‌اند. زنان در ایران، به‌رغم اینکه با محدودیت‌های بزرگ سنتی روبه‌رو بوده‌اند، از همین منابع سنتی برای شکستن فضا و نفوذ در آن نهایت استفاده را برده‌اند. یکی از استراتژی‌های زنان ایرانی برای غلبه بر ساختارهای محدودکننده شهری استفاده از آیین‌های مذهبی و ملی بوده است. آیین‌های نوروزی و مذهبی در ماه‌های محرم و رمضان مانند نوعی درام اجتماعی به همه مردم از جمله زنان کمک کرده است که به‌ویژه از دوره قاجار به بعد حضور بیشتری در فضاهای شهری پیدا کنند.

در عهد ناصری که به‌نوعی مابین دوران قبل از خود نیز هست زنان جز برای شرکت در مراسم عزاداری یا آیین‌های دینی حق و امکان حضور آزادانه را در شهر نداشتند، مگر با شوهر یا مردی از محارم خود. عمده

ساختمان‌های این دوران مانند دارالفنون، بازار، مدارس علمیه، مدارس جدید، مراکز نظامی و میدان توپخانه برای مردان بودند و مردان آنها را طراحی کرده بودند. در دوره قاجار، فعال‌ترین بُعد اجتماعی زنان شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و نمایش‌های تعزیه بود.

بنا بر انبوه اسناد و شواهد تاریخی، زنان در گذشته تاریخی ایران سهم ناچیزی در فضاهای شهری داشتند. اما از اواخر دوران قاجار و یک دهه پیش از انقلاب مشروطه، زنان تهرانی به تدریج از تحولات سیاسی در حال وقوع استفاده کردند و کم‌کم به خیابان‌ها آمدند.

در جریان انقلاب مشروطه که حاصل مجموعه وسیعی از تحولات و تلاش‌های مؤثر برای مدرن کردن و توسعه ایران است زنان فرصت‌هایی برای حضور در فضاهای شهری و عمومی پیدا کردند. در جنبش تنباکو در سال ۱۲۷۵ زنان نقش مهمی داشتند و در بحران نان در سال ۱۲۷۷ نیز زنان تهران و تبریز به بیرون از خانه‌ها آمدند و برای مدتی ایفای نقش کردند. نقش فعال زنان در انقلاب مشروطه به گونه‌ای بود که عین‌الدوله، صدراعظم مظفرالدین‌شاه، برای جلوگیری از بیرون آمدن زنان در پایتخت و بازداشت آنها دستور صادر کرد. زنان پس از پیروزی انقلاب مشروطیت نیز در میدان بهارستان به تظاهرات پرداختند و اعلامیه و شب‌نامه منتشر کردند (ص ۵۲).

با این حال، این حوادث نتوانست زمینه اجتماعی و فرهنگی را در جامعه ایران برای حضور مؤثر، مستمر و گسترده زنان در شهر و حتی فضاهای آموزشی ایجاد کند، به‌طوری که همزمان با انقلاب مشروطه دبیرستان «دوشیزگان» (اولین دبیرستان دخترانه‌ای که در سال ۱۲۸۵ در تهران تأسیس شده بود) با موج مخالفت‌هایی که به راه افتاد ناگزیر تعطیل شد.

مهم‌ترین عاملی که باعث گشایش نسبتاً کامل فضاهای شهری به روی زنان شد سیاست‌های فرهنگی دولت‌های پهلوی مبنی بر نوسازی و غربی‌سازی بود. همچنین ظهور و گسترش مؤسسه‌ها و نهادهایی مانند نظام اداری جدید و نهادهای آموزشی و آموزش عالی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، گسترش رفت‌وآمدها، ارتباطات جهانی و بین‌المللی، گسترش شهرنشینی و بسیاری تحولات دیگر از جمله عواملی بودند که زنان ایرانی و به‌خصوص تهرانی را به

نحو گسترده‌ای به درون فضاهای شهری مختلف کشاندند و این فضاها را برای همیشه به روی آنها باز کردند.

**زنان در فضاهای شهری امروز:** زنانه بودن فضاهای شهری با مشاهده جریان زندگی روزمره در محله‌های شهری به‌سادگی قابل رؤیت است. روایت کردن تجربه زندگی روزمره از این نظر جالب است که با وجود عمومیت و پیش‌یافتادگی‌اش بیشتر اوقات نادیده انگاشته می‌شود و همین نادیده انگاشتن تجربه‌ها ممکن است منشأ اصلی بسیاری از شناخت‌های نادرست یا ناقص از زندگی شهری ما شود.

نویسنده روایت خود را از زندگی روزمره شهری با ارائه تصویری کلی از محله سکونتش آغاز می‌کند تا با ارائه چشم‌اندازی کلی از بافت اجتماعی و کیفیت زندگی شهری منطقه و محله زندگی‌اش به مشاهدات خود معنا بخشد. او در منطقه جنت‌آباد، شمال غرب تهران، در خیابان شهید کبیری طامه (شاهین شمالی) زندگی می‌کند که شاید بتوان آن را از نظر اجتماعی و فضای شهری به فضاهای طبقه متوسط شهری تهران نزدیک دانست. این محله بنا بر آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود بیست‌هزار نفر جمعیت دارد که تمام آنها مانند نویسنده مهاجران شهرستانی هستند و از سراسر شهرها و روستاهای ایران به اینجا آمده‌اند. شاهین محله‌ای جوان، پرجمعیت و متراکم است؛ متراکم از نظر انبوه جمعیت، مراکز شهری، اتومبیل‌ها، رخدادهای شهری، ساختمان‌ها و نهایتاً انبوه زنان. زنان بیشترین گروه مهاجران به تهران را در دوره شکل‌گیری محله شاهین تشکیل می‌داده‌اند. طبق آمار سرشماری در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، بیشترین درصد مهاجرت‌های درون‌مرزی زنان در ایران به شهر تهران اختصاص داشته است و زنانی که تحصیلات بالاتری دارند تمایل بیشتری برای این مهاجرت داشته‌اند. به همین دلیل، اکنون شهر تهران با نوعی تمرکز سرمایه انسانی زنان نیز روبه‌روست و این مسئله از عواملی است که موجب گسترش حضور و مشارکت زنان در فضاهای شهری تهران شده است.

فضاهای موجود در این محله متعلق به صنایع خدماتی شامل مراکز آموزشی (مدارس و آموزشگاه‌ها)، مراکز ورزشی (مجموعه‌های ورزشی)، مجتمع‌های اداری (مراکز دولتی و خصوصی)، مراکز خرید (فروشگاه‌ها و پاساژها)،

مراکز بهداشتی و درمانی (درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها)، مراکز تفریحی (پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها و کافی‌نت‌ها)، مراکز غذایی (رستوران‌ها و فست‌فودها) و مراکز خدماتی دیگر است که تمام این مراکز به‌نوعی فضاهای متناسب برای حضور زنان هستند و زمینه گسترش آنان را در این محله فراهم آورده‌اند.

**فروشگاه‌ها و زنانه شدن شهر:** تمام خیابان‌های محله شاهین پر از فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی هستند که عمده مشتریان آنها زنان محله‌اند. این مسئله امروزه واقعیتی جهانی است که خرید کردن یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های زنان است. مراکز خرید همانند سایر فضاهای مدرن بخش جدایی‌ناپذیر زندگی شهری هستند که در آنها مصرف‌نقشی اساسی دارد و مصرف در چنین فضاهایی صرفاً به کالاها و ابزارها محدود نمی‌شود. فضاها نیز در این مکان‌ها تولید و مصرف می‌شوند. یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که زنان برای ورود گسترده خود به فضاهای شهری ابداع کرده و به نحو موفق آن را اجرا کرده‌اند استراتژی خرید کردن و تصاحب کردن فضاهای مصرف است.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد نظام اداری و بازار دو عامل مهم و اصلی برای زنانه کردن فضاهای شهری بوده‌اند. اما باید عوامل دیگری را هم مؤثر دانست و آن مسئله فراغت است. فضاهای فراغتی فضاهایی مانند پارک، سینما، فرهنگسرا و شهربازی‌اند و حتی امروزه فضاهای مذهبی و اقتصادی نیز در حال فراغتی شدن هستند. در مجموع، نظام اداری، بازار، مصرف و فراغت عواملی‌اند که پیوندی ناگسستنی میان فضا و زنان ایجاد کرده‌اند. به نظر نویسنده، مصرف و فراغت حتی بیش از دیوان‌سالاری زمینه زنانه شدن فضاهای شهری را فراهم کرده است، زیرا زنان به‌دلیل آنکه مسئولیت تربیت فرزندان و وظیفه مدیریت خانه را به عهده دارند، طبیعتاً مسئله فراغت به‌هویتشان گره خورده است.

**خیابان و پیشروی آرام زنان:** خیابان یکی از اختراعات مدرن شهری در ایران معاصر است. اولین بار در نقشه‌ای که نجم‌الدوله در سال ۱۳۰۹ ه.ق. (۱۲۶۸ ه.ش.) از تهران ترسیم کرد از برخی معابر به اسم خیابان نام برده شده است (ص ۶۱). اهمیت خیابان به‌عنوان مهم‌ترین عرصه شهر مدرن و جایی است که انسان شهرنشین امروزی تجربه

مدرنیتۀ خود را در آن تحقق می‌بخشد. زنان نیز در مبارزه‌های سخت و طولانی توانستند جای خود را در خیابان‌های تهران تعریف کنند و حق بهره‌برداری از آن را تا حدودی به دست آورند. شاید مهم‌ترین موفقیت زنان شهری ایران در زمینۀ فضا به دست آوردن حق حضور در فضاهای عمومی مانند خیابان، پارک‌ها، میدان‌ها، و به‌طور کلی قدم زدن آزادانه در شهر است. باید میان همگانی شدن قدم زدن در شهر با قدم زدن‌های محدود تمایز قائل شد. زنان شهری ایران و به‌ویژه تهران با سیاست پیشروی آرام توانستند حق زیستن و تجربه کردن فضای خیابان را به دست آورند. همچنین آنها حق قدم زدن در شهر را نیز (این امر پدیده‌ای کاملاً تازه و مدرن است) به دست آوردند.

**انقلاب اسلامی و پیشروی انقلابی زنان:** انقلاب اسلامی انقلاب بزرگی برای زنان شهری ایران بود و بیش از تمام دوره‌های گذشته فضاهای شهری را به شکل‌های مختلف به روی زنان گشود. با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری راهپیمایی‌های بزرگ شهری برای اعتراض به رژیم پهلوی، زمینه برای مشارکت زنان در فضاها و خیابان‌ها گسترش بیشتری یافت و زنان مذهبی و سنتی نیز توانستند تجربه تازه‌ای از خیابان در شهر را شکل دهند. این تجربه با پیروزی انقلاب محدود نشد و بعد از پیروزی انقلاب نیز حکومت خیابان‌ها را به‌عنوان فضای سیاسی که زنان می‌توانند در آن ایفای نقش کنند پذیرفت. راهپیمایی‌های سیاسی رسمی مانند راهپیمایی روز ۲۲ بهمن، نماز جمعه و آیین‌های مذهبی مانند مراسم عاشورا موقعیت‌هایی هستند که نه‌تنها حکومت آنها را برای حضور زنان مجاز می‌دانست، بلکه زنان را برای حضور بیشتر در خیابان‌ها تشویق می‌کرد.

گسترش فضاهای مذهبی مانند امامزاده‌ها، مساجد و حسینیه‌ها و تحول این فضاها پس از انقلاب اسلامی متناسب با نیازها و علایق امروزی زنان شهری است و زنان می‌توانند هم با اهداف مذهبی و هم برای تأمین نیازهای فراغتی خود از این نوع مراکز با احساس امنیت استفاده کنند.

**مدارس، دانشگاه‌ها و زنانۀ شدن شهر:** فضاهای آموزشی را می‌توان بزرگ‌ترین فضاهای زنانۀ شهری ایران به‌ویژه تهران دانست. بخش بزرگی از زمین‌های شهری در سراسر کشور به مهدکودک‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها،

سالن‌های همایش و سخنرانی و به‌طور کلی فضاهای آموزشی، تربیتی و پژوهشی تعلق دارند. شاید بشود مدارس را تنها نهادی دانست که می‌تواند کم و بیش همه دختران کودک و نوجوان ایرانی را برای ساعات طولانی در فضایی بیرون از خانه و به‌دور از خانواده در فضاهای شهری مستقر کند. هر فضای آموزشی نه‌تنها به شهروندان خدمات آموزشی ارائه می‌کند، بلکه بر منزلت و معنای محله و مکان شهری تأثیری عمیق می‌گذارد. از مهم‌ترین نقش‌ها و کارکردهای فضاهای آموزشی، گسترش حضور زنان در شهرهاست. آشنایی دختران با خیابان و شهر از طریق رفتن به مراکز آموزشی و تربیتی مانند مهدکودک و مدرسه آغاز می‌شود. بنابراین یکی دیگر از کارکردهای مدرسه، زانه کردن فضای شهری است و یکی از کارکردهای نظام مدرسه‌ای در ایران معاصر تحول جایگاه و وضعیت زنان است. مدارس و نظام آموزش عمومی در ایران نه‌تنها از طریق سوادآموزی و همگانی کردن آن نقش مهمی در تحول جامعه ایران به‌ویژه در وضعیت زنان داشته، بلکه میانجی بزرگی برای ایجاد پیوند میان زنان دختران ایرانی با جامعه و شهر بوده است. دختران شهری ایران دوران جامعه‌پذیری شهری خود را از طریق مدارس تجربه می‌کنند. این امر خود سرآغازی مهم و تأثیرگذار در گسترش کنش‌های فضایی زنان و زانه شدن فضای شهری است. و اما با وجود تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی است که شاهد همگانی شدن آموزش عالی و مهم‌تر از آن زانه شدن آموزش عالی و دانشگاه بوده‌ایم. دانشگاه‌ها نه‌تنها نوعی فرصت ساختاری برای حضور گسترده زنان در فضاهای شهری ایران به حساب آمده‌اند، بلکه با برخورداری از قداست و مشروعیت کافی فرصت تجربه شهر را برای زنان مهیا کرده‌اند.

**امنیت و زانه شدن فضا:** زنان با نوعی پارادوکس اجتماعی روبه‌رو هستند، یعنی حال که زنان به حضور بیشتر در فضا نیازمندند گاه فضاهای مختلف قادر به تأمین امنیت کافی برای زنان نیستند. از این رو، گزارش‌های متعددی از وجود احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری حکایت می‌کنند. طبق مطالعات صورت‌گرفته، عوامل مختلفی بر مطلوبیت و احساس امنیت در فضای عمومی شهری تأثیرگذار است؛ از آن جمله می‌توان وجود تعامل اجتماعی، امنیت و

آزادی حرکت، دسترسی‌های محلی و نظارت اجتماعی را نام برد. در حالی که عوامل مختلفی بر وجود و میزان ترس از فضاهای شهری اثرگذار است، مانند میزان بالای ترافیک عبوری، وجود علائم استهلاک اجتماعی و فیزیکی، بی‌نظمی یا نبود ماهیت شهری در یک حوزه و همچنین تسلط و حضور مردانی در فضا که ناهنجاری‌های رفتاری دارند، در مقابل، زنان به‌ویژه در کلان‌شهر تهران لزوماً در برابر ناامنی‌ها موضع انفعالی نداشته‌اند. باید در نظر داشت که این احساس ناامنی فقط در برخی فضاهای شهری مانند بعضی خیابان‌ها و پارک‌ها صادق است و زنان سایر فضاهای شهری را ناامن نمی‌دانند. زنان تهرانی برای مقابله با این ناامنی‌ها استراتژی‌های خاصی را ابداع کرده‌اند که عبارت‌اند از: انعطاف‌پذیری در پوشش و لباس و آرایش و انطباق آن با شرایط مکانی و زمانی (به‌ویژه برای زنان جوان‌تر و با تحرک بیشتر)، انعطاف‌پذیری در شیوه‌های ارتباطی و استفاده از رفتارهای کلامی و غیرکلامی، انتخاب زمان‌های مناسب در استفاده از فضاهای مختلف عمومی شهر، همراه کردن افراد دیگر در مصرف برخی فضاهای عمومی و در صورت لزوم جایگزین کردن یک فضا با فضای دیگر و موارد استثنایی تمایل به همراه داشتن سلاحی سرد با خود! (ذکایی، ۱۳۹۱: ۷۸).

در مجموع، حضور زنان شب‌هنگام و نیز در صبح و هنگام تاریک‌روشن هوا از نهادینه شدن نوعی از «مدنیت شهری» در جامعه ایران حکایت دارد. اینکه زنان می‌توانند از خانه بیرون بیایند و به جامعه اعتماد کنند و اجازه دارند همراه با مردان زندگی در شهر و خیابان را تجربه کنند هیچ‌کدام رخدادهایی نبوده‌اند که همواره وجود داشته باشند، بلکه تجربه‌های معناداری هستند که از تحولی بزرگ در فرهنگ شهری ما حکایت می‌کنند. باید توجه داشت که میان گستردگی و میزان جمعیت در شهر با میزان و کیفیت حضور زنان در شهر ارتباط مستقیمی وجود دارد. هرچه شهر بزرگ‌تر باشد میزان حضور زنان بیشتر است. به همین دلیل زنان ایرانی ترجیح می‌دهند در کلان‌شهرها زندگی کنند تا در روستاها و شهرهای کوچک.

تغییرات در فضاهای عمومی و خصوصی کلان‌شهر تهران حاکی از بروز تحولاتی در مناسبات جنسیتی است که «عرفی شدن» فضاها توصیف شده است (ص ۸۴). تغییر و تحول فضاهای شهری به سوی زنانه شدن بیشتر را می‌توان با

تکیه بر تحولات اجتماعی که در ارزش‌ها، سبک زندگی و تحولات ساختاری نهادهای اجتماعی مانند خانواده، سیاست و فناوری رخ داده است نشان داد. باید پذیرفت فضاهای شهری ایران به شیوه‌های مختلف - آشکار یا نهان و مستقیم یا غیرمستقیم - زنانه شده‌اند و این زنانه شدن فضاهای شهری در نتیجه توسعه قدرت عاملیت زنان شهرنشین به وقوع پیوسته است. نویسنده عقیده دارد که شهرها و شهرک‌ها نیز در مسیر این تحول قرار دارند اما میزان و شدت و گستردگی زنانه شدن در این فضاها بسیار محدودتر از تهران است (ص ۸۵-۸۰).

موضوع دیگری که نویسنده بدان پرداخته آن است که زنانه شدن فضاهای شهری و کلان‌شهر تهران چه دلالت‌ها و الزاماتی برای مدیریت شهری دارد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای کلان‌شهری شدن، گسترش حضور زنان در فضاهای شهری است. این حضور گسترده مسئولیت مدیریت شهری را بیشتر از گذشته می‌کند. مدیریت شهری باید نسبت به جنسیت حساس باشد و در اجرای برنامه‌های توسعه شهری همواره این حساسیت را در نظر داشته باشد. حساسیت به این معناست که توسعه شهری باید متناسب با نیازها، علایق و حضور زنان در فضاهای شهری صورت گیرد. ایده «شهر دوستدار زنان» بر همین اساس استوار است، یعنی شهری که از نظر معیارهای حقوقی و شهروندی، کالبدی، خدمات شهری و تمام ساختارهای شهری پاسخگوی نیازهای زنان است. در این زمینه، مهم‌ترین راهبرد برای تحقق این ایده باز کردن فضای مدیریت شهری به روی زنان، ضرورت دست‌یابی به دیدگاهی بومی و محلی و توجه بیشتر به خواسته‌های زنان است.

نویسنده در پایان برخی زمینه‌های مطالعاتی مانند مناسبات میان فراغت، جنسیت و فضا، تجربه زنانه از شهر و خوانش‌های آن، بازنمایی مناسبات زنان و شهر در رسانه و ادبیات، بررسی زنانه شدن فضاهای شهری از منظر برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، چالش‌های زنان در مواجهه با فضاهای شهری، نقش زنان در طراحی و مدیریت شهری، و بسیاری موضوعات دیگر را پیشنهاد کرده که امیدوار است این موضوعات عناوین دستور کارهایی برای مطالعات آینده جنسیت و فضا در ایران قرار گیرند.